



The Experience of Rural Development Policy and its Impact on the Social Mobility of Villagers after the Islamic Revolution: (Case Study: Selected Villages of Marand City)

Ali Shakoori¹ | Zahra Farzizadeh²

1. Corresponding author, Department Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: shakoori@ut.ac.ir
2. Department of Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: farzizade@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 01 May 2023
Received in revised form:
26 June 2023
Accepted: 08 August 2023
Published: 20 September
2023

Keywords:

Rural Development,
Mobility,
Islamic Revolution,
Opportunity Openness.

The purpose of this article is to study the impact of rural initiatives and developments on the occupational mobility of villagers in selected villages in the city of Marand. It was assumed that the rural reforms of the government after the revolution, which was primarily influenced by populist and egalitarian ideology, would have an effect on the social mobility of the target population.

To investigate the impact of rural reform on rural mobility, the ex-post-facto comparative method was utilized in three groups of matched villages, based on development potentials and the number of rural programs or actions implemented, and random sampling was used to collect research data. Mobility is greater in villages with more development measures, indicating that rural initiatives have had effects. However, the nature of mobility revealed that both upward and downward moves occurred predominantly within short-range adjacent occupations; consequently, movements were uncommon at the top of the job structure continuum.

In summary, the study concludes that although it is possible to conduct research on social mobility at the micro level and in a smaller community such as a village, the study of occupational mobility at the village level cannot be classified according to the standard that will be applied to the larger society. In addition, since rural society is experiencing the phenomenon of migration, the findings cannot necessarily reflect the job mobility of those who were promoted and took advantage of new opportunities, but did not reside in the village during the field research.

Cite this article: Shakoori, A. & Farzizadeh, Z. (2023). The experience of rural development policy and its impact on the social mobility of villagers after the Islamic revolution: (Case Study: selected villages of Marand City), *Community Development (Rural and Urban)*, 15 (1): 7-25. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361634.668801>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361634.668801>

تجربه سیاست توسعه روستایی و تأثیر آن بر تحرک اجتماعی روستاییان بعد از انقلاب اسلامی

(مورد مطالعه: روستاهای برگزیده شهرستان مرند)

علی شکوری^۱ | زهرا فرضی زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: shakoori@ut.ac.ir
 ۲. گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: farzizade@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با توجه به محوریت توسعه روستایی بعد از انقلاب، هدف این مقاله بررسی میزان بهره‌مندی روستاییان از فرایند توسعه‌ای بعد از انقلاب است. برای این منظور تحرک اجتماعی به‌عنوان معرف تأثیرپذیری روستاییان در نظر گرفته شد. با عنایت به ادبیات موجود و اینکه سیاست‌های توسعه به‌طور کلی و سیاست‌های توسعه روستایی به‌طور خاص به‌عنوان فرایندهای مؤثر در تضعیف تصلب ساختار اجتماعی روستایی و ایجاد موقعیت‌های جدید در چارچوب بازبودگی ملاحظه می‌شوند، فرض بر این بود که اقدامات روستایی دولت بعد از انقلاب که عمدتاً تحت تأثیر ایدئولوژی مردم‌گرایانه و مساوات‌طلبانه انقلاب بودند، بر تحرک پایگاهی روستاییان تأثیر بگذارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۱	برای مطالعه تأثیر اقدامات روستایی بر تحرک شغلی روستاییان، از روش تطبیقی واقعه بعد از رویداد ^۱ استفاده شد. مطالعه در سه گروه از روستاهای همسان شده با توجه به دو مؤلفه پتانسیل‌های توسعه‌ای و کمیت برنامه‌ها یا اقدامات روستایی انجام شد و اطلاعات لازم با بهره‌گیری از نمونه‌گیری تصادفی از روستاهای شهرستان مرند گردآوری شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۴	یافته‌ها نشان داد تحرک در روستاهای با اقدامات توسعه‌ای بیشتر، بالاتر است. با این حال، تحرک‌ها چه در حالت صعودی و چه در حالت نزولی، عمدتاً در پایگاه‌ها و مشاغل همجوار با برد کوتاه است و تحرک‌ها در منتهی‌الیه فوقانی نردبان ساختار شغلی، به‌ندرت دیده می‌شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۷	مطابق نتایج، هرچند می‌توان تحرک اجتماعی با معرف عمده آن، شغل، در سطح خرد و جامعه کوچک‌تری مثل روستا مطالعه قرار داد، این نوع مطالعات در سطح روستا نمی‌تواند از طبقه‌بندی استاندارد جامعه بزرگ‌تر تبعیت کند؛ به‌ویژه اینکه جامعه روستایی با پدیده مهاجرت مواجه است و لزوماً یافته‌ها نمی‌تواند منعکس‌کننده تحرک‌های شغلی روستاییانی باشد که ارتقای شغلی یافته‌اند و از فرصت‌های جدید بهره برده‌اند، ولی ساکن روستا نیستند. در کل، مشخص شد تأثیرپذیری روستاییان، بیش از برنامه‌ها، از پتانسیل‌های توسعه‌ای موجود روستاها و پیشینه‌های مستعد روستاییان بوده است. دلیل عمده آن نیز ماهیت برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای است که غالباً ماهیت بهبود ^۲ داشته تا دگرگون‌ساز ^۳ .
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
انقلاب اسلامی، تحرک شغلی، توسعه روستایی، فرصت‌های باز.	

استناد: شکوری، علی و فرضی‌زاده، زهرا (۱۴۰۲). تجربه سیاست توسعه روستایی و تأثیر آن بر تحرک اجتماعی روستاییان بعد از انقلاب اسلامی (مورد مطالعه: روستاهای برگزیده شهرستان مرند). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۵(۱): ۷-۲۵. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361634.668801>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361634.668801>

1. Ex-post-facto
2. Improvement
3. Radical transformation

۱. مقدمه و طرح مسئله

مانند غالب کشورهای درحال توسعه، توسعه روستایی یکی از دغدغه‌های توسعه‌ای کشور در عصر مدرن بوده است. این دغدغه تا حدی از اینجا نشئت می‌گرفت که تلاش‌های توسعه‌ای دهه‌های گذشته در قالب برنامه‌های کلان نوسازی اغلب با محوریت شهر و صنعت تعقیب شدند و نتوانستند شرایط زندگی روستاییان را چندان تغییر دهند و بهبود واقعی و مؤثر را در وضعیت زندگی روستاییان ایجاد کنند (گریفین^۱، ۱۹۷۹؛ فرگوسن، ۱۹۹۰). مانند سایر کشورها، نهادهای محلی و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها در ایران به‌طور رسمی تلاش کردند جایگاه روستاییان را از طریق اتخاذ ترفی از راهبردها -از بهبودی و اصلاح‌گرایانه تا بنیادی و دگرگون‌ساز- تغییر دهند (لانگ، ۱۹۷۹). با این حال، مروری بر پیشینه نشان می‌دهد هرچند مسئله روستا و کشاورزی از دهه اول سده سیزدهم در کنار سیاست‌های نوسازی و صنعتی کردن کشور در دستور کار قرار گرفت، همواره این بخش دچار توسعه‌نیافتگی مزمین است و پیوسته مخالفان سیاسی یا منتقدان دانشگاهی رژیم قبل از انقلاب، بر بی‌نتیجه بودن این اقدامات یا سیاست‌ها تأکید کرده‌اند؛ به طوری که کمتر اثری را می‌توان یافت که در آن، سیاست‌های توسعه روستایی و کشاورزی این عصر تأیید شده باشد.^۲ اغلب تأکید می‌شود که این اقدامات به فروپاشی مناسبات تولیدی سنتی، گسترش مناسبات پولی و تغییر در طبقات سنتی روستایی انجامید و نفوذ دولت را در مناطق روستایی افزایش داد، ولی هیچ یک از این‌ها نتوانست معضل کشاورزی و روستایی کشور را حل کند. سیاست‌های توسعه روستایی در این دوره اساساً نه توانست عرضه مواد غذایی را به مناطق شهری و نه بهره‌وری کلی کشاورزی را در ارتباط با جمعیت روبه‌رشد کشور افزایش دهد. در ضمن این برنامه‌ها عملاً به تقویت قشریندی اجتماعی موجود روستا و افزایش شکاف اقتصادی و اجتماعی بین طبقات متفاوت در مناطق روستایی انجامید. با وجود رشد اقتصادی و تأثیر مثبت این رشد بر درآمد سرانه، شکاف درآمدی و هزینه‌ای بین مناطق روستایی و شهری و بین گروه‌های مختلف اجتماعی تشدید شد (ازکیا، ۱۳۶۵؛ طالب، ۱۳۷۶؛ افشار، ۱۹۸۰؛ ۱۹۸۷؛ شکوری، ۲۰۰۱؛ ۲۰۱۹)؛ به طوری که شکاف شهر و روستا به پنج‌به‌یک رسید (فرازمند، ۱۹۸۹). کاهش استانداردهای زندگی و افزایش فقر در مناطق روستایی در نهایت موجب مهاجرت وسیع فقرای روستایی به شهرها شد (افشار، ۱۹۸۰) که خود مسائل و نگرانی‌هایی مانند تخلیه سریع روستاها (از ۶۷/۵ درصد در ۱۳۳۵ به ۳۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۵) و افزایش مشکلات شهری با منشأ روستایی را مطرح کرد که نشان داد باید توجهی جدی به این بخش صورت گیرد و راهبردها و سیاست‌های گذشته بازبینی شود.

با توجه به ماهیت تاریخی تضادهای منتج به انقلاب، که عمدتاً در سیاست‌های توسعه‌ای نه‌چندان موفق منعکس شده بود، محور عمده مطالبات بر اتخاذ سیاست‌های متناسب و انقلابی استوار بود تا کشور را از توسعه‌نیافتگی برهانند. در بخش روستایی و کشاورزی، این تغییرات در وهله نخست در بعد سازمانی و اداری بخش کشاورزی نمود پیدا کرد. در این راستا، نخست مراکز خدمات روستایی و عشایری و بعد جهاد سازندگی ایجاد شدند. اقدام اول به‌عنوان مهم‌ترین تغییر و راهبرد عمده «توسعه روستایی» معرفی شد تا وزارت کشاورزی را به خدمت مردم روستایی درآورد (ازکیا، ۱۳۶۵؛ شیرازی، ۱۹۹۲). اقدام بعدی، یک تغییر رادیکال و انقلابی بود و بر این باور استوار بود که سازمان‌های سنتی روستایی، با رویکرد فن‌سالارانه و دیوانسالاری دست‌وپاگیر قادر نیستند با محرومیت روستایی مبارزه کنند و توسعه مردمی و ساختاری در گرو اقدام انقلابی است.

1. Griffin

۲. به دلیل کثرت منابع، از ارجاع به آن‌ها خودداری می‌شود. با این حال بخش منابع مقاله تا حدی این موضوع را پوشش می‌دهد.

بنا به گزارش بانک جهانی (۱۹۹۴) و تحقیقات و مشاهدات میدانی (برای مثال، صالحی اصفهانی، ۲۰۰۹؛ شکوری، ۲۰۱۹؛ ۲۰۰۱؛ رفیع پور، ۱۳۶۸) میزان فعالیت‌های زیربنایی انجام‌شده و خدمات ارائه‌شده بعد از انقلاب، قابل توجه و حتی از نظر کمی خارج از توان سازمان‌های سنتی و رایج بوده است.

فعالیت‌های توسعه‌ای به‌ویژه گسترش و ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات مدرن، بالقوه پیامدهای توسعه‌ای زیادی در دگرگونی ساختار حیات اجتماعی روستاییان در پی دارد و نمی‌تواند نادیده گرفته شود. به بیان فرگوسن^۱ (۱۹۹۰) آن‌ها خواه‌ناخواه تغییر مثبت یا منفی ایجاد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نمودها یا معرف‌های این تغییر، در تحرک اجتماعی و ماهیت آن منعکس می‌شود. برای اینکه به قول آمارتیا سن، فرایند توسعه قاعدتاً باید دامنه انتخاب‌های افراد را برای بهتر زیستن گسترش دهد. مهم‌ترین رکن و پیش‌شرط توسعه، انتخاب است و به قول پال گامبرگ^۲ (۱۳۹۱) دسترس‌پذیری و برابری فرصت‌ها است که در گرو کمیت فرصت‌ها است. تعدد فرصت‌ها تضعیف ساختار اجتماعی متصلب^۳ را که مبتنی بر پایگاه‌های محولی^۴ بوده میسر می‌سازد و سیال‌پذیری مواضع اجتماعی افراد را در ساختار فرصت‌ها تسهیل می‌کند. در واقع «فرصت‌ها در جایی که محدودند، برابر نخواهند بود» (گامبرگ، ۱۳۹۱: ۳۳). به‌نظر می‌رسد دو فرایند مرتبط به هم در فرایند سیال‌پذیری مهم هستند: فرایندهای سیاستی-توسعه‌ای و اشاعه ایدئولوژی‌های مساوات‌طلبانه.

صرف‌نظر از اقدامات توسعه‌ای، جامعه ایرانی به‌طور کلی و جامعه روستایی به‌طور خاص، تحولات متعددی یافته که به‌نظر می‌رسد بر تحرک اجتماعی و قشربندی اجتماعی تأثیر داشته است؛ زیرا اولاً خود رخداد انقلاب، موقعیت‌های سیال را فراهم کرده است؛ دوم اینکه تأکید ایدئولوژیکی زیادی بر ارتقای پایگاه فقرا و قشرهای محروم شده است؛ چرا که در نظم اسلامی قرار بود فقرا و محرومان در مرکز (و نه در حاشیه) قرار بگیرند (آموزگار، ۱۹۹۳: ۱۷). سوم اینکه رویکرد پوپولیستی در حوزه سیاست‌گذاری در اصلاحات روستایی منعکس شده بود که قرار بود با اقدامات گسترده توسعه روستایی، «رفاه استانداردهای زندگی روستاییان را ارتقا دهد و شکاف شهر و روستا را پر کند» (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۱).

با وجود مطالعات فراوان در حوزه روستایی، مطالعات اندکی درباره تحرک اجتماعی روستایی انجام شده است. این نوشته، گامی مقدماتی در این خصوص است که بر داده‌های میدانی در روستاهای برگزیده استوار است. به‌طور خاص، هدف این مقاله، فهم تأثیرپذیری تحرک اجتماعی از برنامه‌های توسعه روستایی است و این ابعاد مطالعه می‌شوند: تا چه حد موقعیت اجتماعی روستاییان از برنامه‌های روستایی متأثر شده است؟ تا چه حد تغییر در مواضع اجتماعی آنان از زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی‌شان و پتانسیل توسعه‌ای روستاها تأثیر گرفته است؟ و تا چه حد افراد از موقعیت طبقاتی خود جدا شده‌اند؟

این مطالعه بیشتر خصلت مقدماتی دارد و هدف آن است که پی ببریم می‌توان مفهوم تحرک اجتماعی را که غالباً معرف تحولات وسیع‌تر لحاظ می‌شود در سطح روستا به‌کار برد یا خیر. به‌ویژه اینکه می‌دانیم داده‌های مربوط به شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح روستا ثبت نمی‌شود و مطالعه آن‌ها پرهزینه و زمان‌بر است. به این ترتیب با توجه به بررسی‌های اولیه و برآورد همکاری سازمان‌های ذی‌ربط در منطقه برای تحقیق و همچنین آشنایی بیشتر با منطقه، شهرستان مذکور برای مطالعه انتخاب شد.

1. Fergusen
2. Paul Gumberg
3. Rigid
4. Ascribed

۲. ملاحظات مفهومی و نظری

تحرک اجتماعی از موضوعات عمده پژوهش علوم اجتماعی است که طی دهه‌های اخیر، پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات توسعه و تغییر اجتماعی، بیشتر به بررسی آن پرداخته‌اند؛ زیرا تحرک اجتماعی و کیفیت آن می‌تواند یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کیفیت در توسعه جوامع تلقی شود. در عین حال خیلی از جنبه‌های فرصت‌های زندگی افراد را در جامعه در برمی‌گیرد که بر شکل طبقاتی به لحاظ تشخیص طبقاتی و ساختارهای خرد طبقاتی مشخص تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۹۷۴؛ ۱۹۹۳؛ برین و روتان^۱، ۱۹۹۵). مهم‌ترین دغدغه در این زمینه، واکنش افراد به تحرک اجتماعی است. طبیعی است رضایت یا نارضایتی آن‌ها از فرایند تحرک، پیامدهای مهمی برای نظم و پایداری جامعه دارد؛ زیرا این فرایند، فرصت‌ها را برای بسیاری از افراد توانا و خواهان پیشرفت طبقه پایین جامعه فراهم می‌کند تا موقعیت خود را ارتقا دهند. به لحاظ سیاسی نیز تحرک اجتماعی سعودی فراوان، نقش «ایمنی اجتماعی»^۲ را در جامعه ایفا می‌کند (پارکین^۳، ۱۹۶۸؛ هارالامبوس و هولبورن، ۱۹۹۵).

از منظر نظم اجتماعی، نظام قشربندی و تحرک اجتماعی در نظام فرصت‌ها، مهم‌ترین بعد ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهد؛ اولی شبکه نسبتاً منظمی از موقعیت‌های اجتماعی در جامعه است و دومی موقعیت موقت و سیال ساختار طبقاتی و مواضع اجتماعی است که محل امکانات و مضیقه‌ها در شبکه فرصت در جامعه‌اند (چلبی، ۱۳۷۵).

مباحث اساسی در ادبیات تحرک اجتماعی بر محورهای زیر متمرکزند: نخست اینکه «نظام‌های قشربندی مدرن چقدر باز هستند تا تحرک اجتماعی زیادی رخ دهد» (کوکسون و جونز، ۱۹۷۵: ۱۰). دوم، جوامع مدرن به دلایلی مانند اشاعه باورها و ارزش‌های دموکراتیک در کنار رشد فناوری و در نتیجه تولید ثروت و فرصت زیاد، شرایط برابری برای اشتغال فراهم می‌کنند که بر شایستگی و تلاش فردی مبتنی‌اند تا بر معیارهای اصل و نسب اجتماعی (هامیلتون و هیرزوویک، ۱۹۹۳). سوم، فرایندهایی که بازبودگی^۴ ساختار اجتماعی و برابری فرصت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

دو محور نخست بیشتر با دو نظریه متداول جامعه‌شناختی در ادبیات یعنی شایسته‌سالاری و برتری-فروتری مرتبط است که در پی یافتن پاسخ به این سؤال هستند: موقعیت‌های برتر تا چه حد به افرادی با زمینه اجتماعی می‌رسد؟ برای مثال، چرا طبقه پایین در قیاس با هم‌تایانشان در طبقه متوسط، شانس کمتری برای صعود به طبقه متوسط داشته‌اند؟

نظریه برتری-فروتری بر پیشینه طبقاتی متفاوت تأکید دارد؛ برای نمونه استدلال می‌شود فرزندان طبقه متوسط، هم از امتیازات مادی و هم از امتیازات فرهنگی (مدرسه، خانواده، گروه همسالان و...) برخوردارند که به‌طور مؤثر (ولی غیرمنصفانه) در ارتقای شانس موفقیت تحصیلی و متعاقباً شغلی‌شان دخیل هستند. همان‌گونه که هلت بیان می‌کند «افراد با پیشینه برخوردار دارای مزیت‌های اساسی و در اصل غیرعادی در رقابت برای مواضع پایگاهی نخبه هستند. اما هنگامی که جایگاهی در طبقه نخبه به دست می‌آورند، ممکن است گمان کنند که از سوی افراد دارای پیشینه فروتر، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند» (۱۹۸۱: ۷۶-۷۷).

نظریه شایسته‌سالاری بر تفاوت در استعدادها و ویژگی‌های افراد تأکید دارد که به نسبت‌های متفاوت موفقیت کسب می‌کنند. این دیدگاه در قیاس با نظام‌های قشربندی دیگر، با نظام‌های قشربندی نسبتاً باز منطبق است که شرایط را برای کسب موقعیت‌های برتر در یک شرایط رقابتی مبتنی بر داشتن شایستگی مهیا می‌کند. فرض بر این است که در جامعه شایسته‌سالار حقیقی، افراد توانا و

1. Breen, Rottman
2. Social safety
3. Parkin
4. Openness

سخت‌کوش در هر نسلی امکان بیشتری برای اشغال مواضع بالاتر در سلسله‌مراتب شغلی پیدا خواهند کرد. متعاقباً این گروه از افراد موفق اغلب دارای فرزندی با همان کیفیت‌ها خواهند بود که از دستاوردهای مشابه والدینشان در نسل بعدی برخوردار خواهند بود یا از آن‌ها گذر خواهند کرد. از این‌رو، در نظام شایسته‌سالار باید انتظار داشته باشیم فرزندان طبقه متوسط بهتر از طبقه کارگر عمل کنند؛ زیرا آن‌ها احتمالاً انواع قریحه‌ها و کیفیت‌های شخصی را به ارث خواهند برد که برای کسب موفقیت مورد نیاز است و والدینشان هم آن‌ها را بروز داده‌اند. توانایی و تلاش، دو عنصر مهم در نظریه شایسته‌سالاری‌اند که هم شامل تمایل به موفق شدن و هم شامل تعهد به رفتار (سخت‌کوشی) است که فرض می‌شود موفقیت را رقم می‌زند. در جامعه شایسته‌سالار، فقط افراد روشن‌ضمیر امکان موفقیت پیدا می‌کنند؛ مشروط بر اینکه برانگیخته شوند. در این جامعه، افراد کم‌توان‌تر نیز ممکن است موفقیت‌های نسبتاً بالاتر را کسب کنند اگر برانگیخته شوند و سخت‌کوشی در پیش گیرند. با وجود این، جامعه‌شناسان کمتر نظریه شایسته‌سالاری را تأیید کرده‌اند. براساس یافته‌های پژوهشی، غالباً آن‌ها تأکید می‌کنند که موفقیت افراد، محصول مزیت‌ها و محرومیت‌های اجتماعی است که عموماً خارج از اختیارات فردی است و بر آن‌ها تحمیل می‌شود. به این ترتیب این نظر را رد می‌کنند که موفقیت افراد نتیجه توزیع متفاوت توان یا انگیزه افراد است که در طبقات مختلف زاده شده‌اند (ساندرز، ۱۹۹۷: ۲۰۳-۲۰۶؛ گامبرگ، ۱۳۹۱).

در تحلیلی دیگر، تحرک اجتماعی ناشی از عواملی است که بر دسترس‌پذیری و برابری فرصت‌ها تأثیر می‌گذارد. این عوامل را به‌طور کلی می‌توان در سه دسته نهاد: عامل نخست، فرایند تغییرات ساختاری است که از تحول در شکل‌بندی اجتماعی^۱ نشئت می‌گیرد. از منظر ابزارگرایی، خود آن در توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های فناورانه ریشه دارد که به‌لحاظ پیامدی به بسط مستمر فرصت‌ها برای تحرک رو به بالا، به‌واسطه تغییر در ساختار شغلی و تنوع‌پذیری مشاغل با سطح بالا منتهی می‌شود. غالباً مطالعات علوم اجتماعی تأکید دارند که در مقایسه با جوامع ابتدایی و سنتی که در مرحله توسعه معیشتی‌اند و موقعیت‌ها محولی و محدودند، جوامع مدرن و صنعتی ظرفیت زیادی از تحرک اجتماعی دارند؛ چرا که جوامع اخیر، به‌طور مستمر دچار تغییرات اقتصادی سریعی می‌شوند که تحرک شغلی، جغرافیایی و اجتماعی را بیش از جوامع سنتی اقتضا می‌کنند (تافلر، ۱۴۰۰). از این‌رو، جوامع توسعه‌یافته بیشتر مستعد تغییر در حجم نسبی طبقات‌اند؛ برای مثال، مطالعات نشان می‌دهد ساختار طبقاتی خیلی از جوامع اروپایی در قرن بیستم تغییر زیادی یافت و هم‌زمان با کاهش مشاغل غیرمهارتی یدی، مشاغل یقه‌سفید و مهارتی اشاعه یافتند (برین و روتان، ۱۹۹۵)؛ به‌طوری‌که به بیان ساندرز، به‌لحاظ تاریخی کشورهایی که صنعتی‌شدن را طی کردند و حداقل در ایدئولوژی رسمی‌شان بر مؤلفه‌هایی چون برابری، دموکراسی و حقوق بشر اصرار داشتند، به‌مراتب بازتر بودند و در عمل فرصت‌های برابری‌تری نمایان کردند (۱۹۹۷: ۲۶۲-۲۶۳).

عامل دوم، تغییرات ناگهانی مانند انقلاب و جنگ است که عمدتاً بر دیدگاه سورکین^۲ (۱۹۶۷) استوار است. براساس این دیدگاه، تغییرات سریع و رادیکال، نظام سنتی را از هم می‌پاشد، ساختار جامعه از ریخت می‌اندازد و فرصت‌های سیال را برای قشرهای اجتماعی متفاوت ورای «نظم‌پذیری‌های متداول پایگاهی» ایجاد می‌کند. انقلاب به‌عنوان نمونه بارز این نوع تغییرات، نظم‌پذیری‌های موجود پایگاهی را با از شکل انداختن ساختار کل اجتماعی^۳ تضعیف یا محو می‌کند؛ به‌طوری‌که به بیان سورکین (۱۹۶۷: ۲۳۴-۲۳۵) «ساختار اجتماعی کل ناگهان بی‌شکل و به تکه‌های ریز و پراکنده مبدل می‌شود و به‌طور غیرمترقبه‌ای حدودمرزهای اجتماعی جافتاده لوث می‌شود. فرایندهای تغییر [منتج از انقلاب] در ترکیب گروه‌های اجتماعی و گردش افراد... به‌مراتب سریع‌تر عمل می‌کنند و افراد زیادی را متأثر می‌سازند... چگالی نوسانات و التهابات در... گروه‌های اجتماعی حجیم‌تر می‌شود. گروه‌های جافتاده قدیمی راه زوال را

1. Social formation
2. Sorokin
3. Social aggregate

پیش می‌گیرند و گروه‌های جدید شکل می‌گیرند». شایان ذکر است که بعد از پیروزی انقلاب‌ها، هم میزان تحرک نزولی و هم میزان تحرک صعودی ممکن است بالا باشد، ولی اغلب موقتی و بی‌شکل است.

سومین عامل مؤثر در بسط فرصت‌ها تغییرات با برنامه است. همان‌طور که قبلاً بیان شد، هدف اصلی سیاست‌های توسعه، گسترش انتخاب‌های افراد و بهبود قابلیت‌های آن‌ها برای کسب فرصت‌های بهتر زندگی است که در چارچوب نظم‌های غیرمتصلب میسر است. این امر با از میان برداشتن موانعی مانند تفاوت‌های عمده شناختی و ساختارهای نابرابر فرصت و نیز توزیع منصفانه منابع مادی امکان‌پذیر می‌شود (اولسن^۱، ۱۹۶۳؛ پی^۲، ۱۹۶۶؛ سن، ۱۹۷۷، ۱۹۸۳؛ کلمتس^۳، ۱۹۹۵).

درباره فرایندهای تاریخی اثرگذار بر تحرک اجتماعی به‌ویژه نوع توسعه‌ای آن، مجادله‌ای قدیمی بین دو رویکرد عوام‌گرایان و مساوات‌گرایان وجود دارد. رویکرد نخست بر ایجاد فضا برای تمام قشرهای مردم به‌ویژه فقرا تأکید دارد که فرض می‌شود تاکنون از سیاست‌های توسعه در فرایند تغییر اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند. رویکرد دوم باوری را مطرح می‌کند که در فرایند توسعه «همه باید دسترسی یکسان به مزایای مادی زندگی داشته باشند، یا حداقل هیچ‌کس نباید به‌خاطر پیشینه اجتماعی‌اش یا به‌دلیل خصایصی مانند جنسیت یا قومیت آسیب ببیند» (کوکسن و جونز^۴، ۱۹۷۵: ۱۰). این تأکید در ادبیات اخیر توسعه روستایی به گونه‌های مختلف بیان شده است؛ برای مثال، عموماً وفاقی در تعریف توسعه روستایی وجود دارد که آن را «فرایند بهبود استانداردهای توده جمعیت کم‌درآمد و فرایند توسعه خوداتکایی آنان تلقی می‌کند که در مناطق روستایی ساکن هستند» (للی^۵، ۱۹۷۵: ۲۰). دستیابی این اهداف به اعمال سیاست‌هایی بستگی دارد که نخست ساختار سنتی این اقتصادها دگرگون شود و دوم با سیاست‌های توسعه روستایی در حوزه ارضی، تولیدی، زیرساختی و اجتماعی، شرایط زندگی روستاییان ارتقا یابد. با این حال، این سیاست‌ها، خواه دولت‌ها (به‌عنوان کارگزار عمده توسعه) بخواهند یا نه، تحرک اجتماعی و ساختار طبقاتی را طی زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. با وجود این، میزان مؤثر بودن سیاست‌های توسعه روستایی تا حدی به توانایی آن‌ها در تغییر ساختار اقتصادی-اجتماعی حاکم بستگی دارد.

ایران رخدادهایی سیاسی و اجتماعی مانند انقلاب را تجربه کرده و به تبع آرمان‌های عقیدتی عدالت‌خواهانه و مردم‌گرایانه‌اش، اقدامات توسعه‌ای دست‌کم در دهه‌های اول انقلاب به‌طور گسترده برای روستاها انجام شده است. این اقدامات در بازبودگی و سیال شدن تحرک اجتماعی و دگرگونی ساختار طبقاتی بی‌تأثیر نبوده است. به این ترتیب پژوهش پیش‌رو بر این فرض استوار است که تغییرات توسعه‌ای، هم به‌لحاظ کمی و هم ماهوی، از پیشینه توسعه‌ای روستاها و پیشینه اجتماعی و اقتصادی روستاییان تبعیت می‌کند.

۳. روش پژوهش

در این بخش به‌طور مختصر، روش تحقیق، مفاهیم، سنج‌ها و روش نمونه‌گیری را ارائه می‌کند. همان‌طور که گفته شد، این پژوهش بر تأثیر برنامه‌های توسعه روستایی بر تحرک اجتماعی روستاییان متمرکز است. برای این منظور از روش تطبیقی واقعه بعد از رویداد در شش روستای برگزیده شهرستان مرند در آذربایجان شرقی استفاده شد. روستاها به‌صورت زوجی در سه گروه مجزا برگزیده شدند. این روستاها در هر گروه به‌لحاظ پتانسیل‌های توسعه‌ای مشابه و اقدامات توسعه‌ای دریافتی متفاوت انتخاب شدند. در جدول ۱ دسته‌بندی روستاها نشان داده شده است.

1. Olson
2. Pye
3. Clements
4. Coxon & Jones
5. Lele

طبقه‌بندی روستاها براساس پتانسیل‌های مذکور در سه گروه برخوردار، متوسط و فقیر انجام شد و متغیرهایی مانند وضعیت جغرافیایی، جمعیت، فاصله از مرکز شهر و حاصلخیزی خاک با بهره‌گیری از تاکسونومی در رتبه‌بندی سه‌گانه لحاظ شد و بالاترین امتیاز، برخوردار و پایین‌ترین امتیاز، محروم تلقی شدند.

جدول ۱. توزیع روستاهای برگزیده برحسب اقدامات توسعه‌ای و شرایط بالقوه توسعه‌ای

روستاها	برنامه توسعه روستایی			شرایط توسعه‌ای		
	توزیع زمین	مراکز خدمات	جهاد	طبیعی-جغرافیایی	اقتصادی-اجتماعی	زیرساختی
زوج اول: روستای ۱	انجام شده	حداکثر	حداکثر	بالا	بالا	بالا
روستای ۲	انجام نشده	حداقل	حداقل	پایین	پایین	پایین
زوج دوم: روستای ۳	انجام شده	حداکثر	حداکثر	بالا	بالا	بالا
روستای ۴	انجام نشده	حداقل	حداقل	پایین	پایین	پایین
زوج سوم: روستای ۵	انجام شده	حداکثر	حداکثر	بالا	بالا	بالا
روستای ۶	انجام نشده	حداقل	حداقل	پایین	پایین	پایین

توضیح ۱: زوج اول: روستای ۱ = دولت‌آباد، روستای ۲ = دیزج حسین بیگ. زوج دوم: روستای ۳ = قرجه فضل‌الله، روستای ۴ = لیوار پایین. زوج ۳: روستای ۵ = قرمزی قشلاق، روستای ۶ = بابر سفلی.
توضیح ۲: برنامه‌های مراکز خدمات عبارت‌اند از توزیع ماشین‌آلات زراعی و توزیع نهاده‌های کشاورزی. فعالیت‌های عمده جهاد عبارت‌اند از تهیه آب آشامیدنی، بهسازی، راه‌سازی، برق‌رسانی، آبخیزداری و ...

تحرك اجتماعى به مفهوم کلی، یعنی تغییر موقعیت، موضع و پایگاه از وضع موجود و به «نوعی از دامنه گسترده از رفتار» اشاره دارد (میلر، ۱۹۷۵). عموماً تحرك با پسوندهای مختلفی مانند جغرافیایی، اجتماعى و... در نظر گرفته می‌شود. در این تحقیق، تحرك اجتماعى به «حرکت افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اقتصادى-اجتماعى» (گیدنز، ۱۹۹۳: ۲۲۹) گفته می‌شود. دو شکل تحرك اجتماعى مورد توجه قرار گرفته است: تحرك درون‌نسلى و تحرك بین‌نسلى. اولی به مقایسه موقعیت فرد با موقعیت والدین او اشاره دارد. دومى به مقایسه موقعیت فرد حداقل در دو مقطع زمانى در زندگى‌اش اطلاق می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۳؛ هامیلتون و هیرزویچ، ۱۹۹۳). در این تحقیق، منظور مقایسه موقعیت حرفه‌ای پاسخگویان با قبل از انقلاب اشاره دارد.
محققان مختلفی از معرف‌های مختلف اقتصادى-اجتماعى برای مطالعه تحرك اجتماعى استفاده کرده‌اند. در این تحقیق، تحرك شغلى پاسخگویان به دلایل زیر به‌عنوان معرف در نظر گرفته شد. همان‌طور که بسیاری از صاحب‌نظران (مانند کلسال و کلسال، ۱۹۷۵؛ میلر، ۱۹۷۵؛ هامیلتون و هیرزویچ، ۱۹۹۳) تأکید می‌کنند، اولاً افراد درمورد شغلشان مبالغه نمی‌کنند و تمایل چندانی به پنهان‌کاری ندارند؛ دوم، اطلاعات شغلى برای مقایسه موقعیت اجتماعى که برگرفته از رتبه‌بندی پایگاهی شهروندان است، نسبتاً عینی‌تر است؛ سوم، اطلاعات دقیق شغلى فرد و موقعیتش در آن، به‌طور ضمنی معرف برخی مؤلفه‌های مرتبط مانند درآمد، سبک زندگى، سطح تحصیلات رسمى و... هستند.

با توجه به رویکرد غالب در ادبیات، از جداول تقاطعی برای مطالعه تحرک شغلی استفاده شده است (گلس و هال^۱، ۱۹۵۴؛ پالوم^۲، ۱۹۷۰؛ هامیلتون و هیرزویچ^۳، ۱۹۹۳). این جداول مرکب از سطر و ستون‌های مساوی‌اند که به متغیر واحد در زمان‌های متفاوت (قبل یا بعد از انقلاب یا دهه قبل و بعد و...) یا نسل‌های متفاوت (پایگاه شغلی پاسخگویان و پدرانشان در دو مقطع زمانی مدنظر) اشاره دارند؛ برای مثال، ارقام سطری به شغل فرزندان و ارقام ستونی به شغل والدین برای نشان دادن تحرک بین‌نسلی اشاره دارند. به‌منظور مقایسه، ارقام سطر و ستون (مقوله‌های شغلی) ترجیحاً باید براساس پرستیژ مرتب شوند (مثلاً از بالا به پایین). در این مطالعه، این مرتب‌کردن بعد از مطالعه مقدماتی و با توجه به پرستیژ شغلی شایع در جامعه انجام گرفت. همین‌طور هرچند در روستاها مقوله‌ها یا سنخ‌های شغلی بسیار محدود است، در مطالعه مقدماتی نهایی شد. مهم‌ترین عناوین شغلی براساس پرستیژ که روستاها بیشتر مطرح کردند، عبارت‌اند از: ۱. پزشک، مهندس، کارمندی با حقوق بالا، تاجر و کاسب، دارندگان و رانندگان کامیون و اتوبوس. دارندگان این نوع مشاغل اغلب در مناطق شهری کار می‌کنند و برای سهولت در توصیف و تحلیل داده‌ها، به‌عنوان مشاغل شهری طبقه‌بندی شدند؛ ۲. معلمان و کارمندان رده‌پایین‌تر؛ ۳. کشاورزان؛ ۴. دامداران و زارعان؛ ۵. مغازه‌داران و کاسبان خرده‌پا؛ ۶. پیشه‌وران و کارگران بی‌زمین.

برای اینکه از ازدحام نه‌چندان مؤثر داده‌ها در جداول کاسته شود و تحلیل و درک داده‌ها آسان‌تر شود، یافته‌ها بر مبنای نسبت‌ها (نرخ‌ها) و شاخصه‌های ابعاد مختلف تحرک اجتماعی براساس مفاهیم زیر ارائه شده است. تحرک مطلق یا میزان کل تحرک به مجموع ارقام خانه‌های مثلث بالا و پایین جدول تقاطعی اشاره دارد (کل خانه‌ها). در واقع این شاخص مربوط به فرصت‌های نسبی افرادی از پیشینه متفاوت است که به موقعیت خاصی رسیده‌اند. تحرک نزولی، تغییر مواضع فرد از پایگاه بالاتر به پایگاه پایین‌تر است که با جمع ارقام خانه‌های روبه‌پایین (مثلث پایینی جدول) محاسبه شده است. برعکس، تحرک عمودی به تغییر مواضع فرد با یک پیشینه پایگاهی پایین‌تر به موقعیت بالاتر اشاره دارد که از جمع داده‌های خانه‌های مثلث فوقانی به‌دست آمده است. مفهوم یا شاخصه مرتبط دیگری که در اینجا به آن پرداخته شده، خوداشتغالی و همسانی پایگاهی است. این مفهوم در تحرک بین‌نسلی به فرایندی اشاره دارد که اعضای یک قشر از فرزندان آن‌هایی که قبلاً به آن قشر تعلق دارند، انتخاب یا به خدمت گرفته می‌شوند. در تحرک درون‌نسلی، مفهوم مذکور به اشتغال اعضای یک قشر در همان طبقه شغلی در دو مقطع زمانی اشاره دارد. شایان ذکر است که خوداشتغالی همسان پایگاهی، هم در تحرک بین‌نسلی و هم در تحرک درون‌نسلی به مفهوم عدم تغییر پایگاهی است که به‌طور ضمنی عدم تحرک را نشان می‌دهد و اگر تغییرات اجتماعی و فرایندهای توسعه‌ای کلان را لحاظ کنیم و فرض کنیم باید موقعیت افراد را تغییر دهند، خوداشتغالی نوعی عدم تأثیر اقدامات انجام‌شده را نشان می‌دهد.

در کل، نسبت‌ها سهم هر یک از شاخصه‌های فوق را از کل میزان در آن شاخص نشان می‌دهد؛ برای مثال، میزان تحرک نسبی یا مطلق، از طریق تقسیم کل ارقام خانه‌های مثلث پایین و مثلث بالای خط مورب^۴ بر کل میزان تحرک ضربدر ۱۰۰ به دست آمده است. همین شیوه برای سایر مفاهیم/شاخصه‌ها اعمال شده است. برای مطالعه میزان تأثیر پیشینه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان (مانند سن، تحصیلات، دارایی و غیره) بر تحرکشان، با توجه سطوح داده‌ها، از ضرایب همبستگی استفاده شده است.

1. Glass & Hall
2. Pullum
3. Hamilton & Hirszowicz
4. Diagonal

۴. یافته‌ها

به‌طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که تحرک شغلی در روستاهایی که بیشترین برنامه‌ها یا خدمات توسعه‌ای را دریافت کرده بودند، در مقایسه با روستاهایی که کمترین برنامه‌ها و خدمات را دریافت کرده بودند، بیشتر است. در همه روستاهای مورد مطالعه، غالباً گرایش به خوداشتغال/همسان‌گزینی پایگاهی بیشتر نمود دارد. همین‌طور داده‌ها گرایش بالاتری را در همسان‌گزینی پایگاه شغلی برای تحرک درون نسلی نشان داد تا تحرک بین‌نسلی که نشان می‌دهد میزان تحرک و دسترسی به فرصت‌های حداقل مشابه در نوع اول غالب است. برای مثال، همان‌طور که در داده‌های جداول ۲ و نیز ۳-۴ آشکار است، ۶۰ درصد پاسخگویان شغل پدر یا مشابه آن را اشغال کردند و ۷۰ درصد (بیش از دوسوم) نیز بعد از انقلاب در همان طبقه شغلی قرار داشتند که قبل از آن بودند. اگر براساس داده‌های جداول مذکور ۲۳ درصد (کمتر از یک‌سوم) برای تحرک درون نسلی و ۲۸ درصد برای تحرک بین‌نسلی لحاظ کنیم، اهمیت این یافته‌ها آشکارتر می‌شود. با فرض اینکه تحرک اجتماعی در زمان طولانی‌تر رخ می‌دهد و انقلاب‌ها بالقوه شانس بیشتری را برای تحرک و سیالیت موقعیت‌های پایگاهی فراهم می‌کنند، رقم نسبتاً بالای تحرک بین‌نسلی در مقایسه با تحرک درون نسلی موجه می‌نماید.

جدول ۲. شاخص‌های اصلی تحرک بین و درون نسلی پاسخگویان (درصد)

شماره روستاها شاخص‌ها	شش	پنج	چهار	سه	دو	یک	کل/تعداد
درون نسلی:							
تحرک صعودی	۹	۱۶	۱۵	۲۰	۱۲	۲۱	۲۳
تحرک به مواضع یکسان	۸۰	۸۰	۸۱	۷۱	۸۷	۶۶	۷۱
تحرک نزولی	۱۰	۴	۴	۹	۲	۱۳/۲	۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درون نسلی:							
تحرک صعودی	۳۴	۳۲	۲۸	۳۲	۳۱	۳۶	۲۸
تحرک به مواضع یکسان	۶۳	۵۷	۵۷	۴۸	۴۸	۴۳	۴۰
تحرک نزولی	۲	۱۱	۱۵	۲۰	۲۱	۲۱	۳۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۸۱

توضیح: تعداد و جمع به کل افراد نمونه در سطرها و ستون‌ها.

از طبقات شغلی متفاوت که در این پژوهش بررسی قرار گرفتند، در کل، پایین‌ترین تحرک شغلی در هر دو تحرک (درون نسلی و بین‌نسلی) در گروه شغلی مزدبگیر/کارگر مشاهده شد. به عبارت دیگر، به‌نظر می‌رسد بیشترین پاسخگویان در این طبقه، ظاهراً از موقعیت پدرشان خارج شده‌اند یا موقعیت و پایگاه قبل از انقلابشان را تغییر دادند. این بدان معنی نیز هست که طبقه کارگر در روستاهای تحت مطالعه، با بازبودگی بیشتر در ساختار اجتماعی مواجه شدند و توانستند وضعیت قبلی‌شان را تغییر دهند.

باین‌حال، بررسی جهت تحرک نشان می‌دهد در کل، بیشتر تحرک‌ها (هم صعودی و هم نزولی) به گروه شغلی همجوار (در سلسله‌مراتب شغلی) گرایش دارند. بیشتر تحرک‌ها نیز به دامنه محدود تعلق دارند و معمولاً از طبقه کارگر به کشاورز، یا از کشاورز به کشاورز و دامدار تمایل دارند. از این‌رو، بیشترین تحرک‌ها در بخش میانی و کمترین به سمت انتهای فوقانی پایگاهی و شغلی میل دارند که به این معنی است که تا حدی تنوع‌پذیری در فعالیت‌های شغلی وجود دارد، ولی تحرک واقعی دیده نمی‌شود؛ بنابراین با اینکه

تا حدی تحرک رو به بالا قابل مشاهده است، هنوز حدی از تصلب و انسداد در ساختار طبقاتی در قلمروهای خاص شغلی را نمی‌توان انکار کرد. یافته‌های تحقیق نشان داد گرایش به فرارگرفتن در رده شغلی «کشاورز» یا «کشاورز و دامدار» در روستاهایی که برنامه‌ها و خدمات روستایی بیشتری را دریافت کرده‌اند، بیشتر از روستاهای با کمترین برنامه یا خدمات روستایی است. تحرک‌های فراوان بین نسلی و درون نسلی در رده‌های شغلی مذکور، عمدتاً در روستاهایی مشاهده شد که توزیع زمین نیز در آن‌ها انجام شده بود. این تا حدی موجه می‌نماید؛ زیرا به دلیل کمیت بسیار پایین، فرصت‌ها در دیگر گروه‌های شغلی موجود در مناطق مطالعه شده است. به عبارت دیگر، فرصت‌های جدید شغلی بیشتر منتج از توزیع ارضی است که برخی افراد ذی‌نفع را متأثر کرده و احتمالاً فرصت‌های ایجادشده در سطح کلان (کشور) ناشی از تحولات با برنامه و انقلاب در شهر نمود داشته است تا در روستاها. با وجود آرمان‌های محرومیت‌زدایی و عدالت‌خواهی انقلاب، روستاها ظرفیت جذب یا تنوع‌پذیری شغلی را پیدا نکردند؛ به طوری که از جدول‌های ۳ و ۴ نیز پیدا است که تحرک رو به بالای اندک، در همبستگی‌های ضعیف آماری منعکس شده است.

جدول ۳. مقایسه پایگاه شغلی پاسخگویان با پایگاه شغلی پدران (تحرک درون نسلی) (درصد)

سایر (مشاغل شهری)	کارگر	کشاورز	دامدار و زارع	کارمند	دامدار	گروه‌بندی شغلی شماره روستا
روستای یک:						
۲۰	۱	۹	۴۹	۱	۱۰	۱
۴۶	-	۱۰۰۵	۲۱۰۷	۳	۱۹	۲
-	۵۰۶	۱۱	۸۲	-	-	۳
-	۳۷	۴۲	۱۹	۲۳	-	۴
-	-	-	۱۷	۷۱	۱۱	۵
-	۱۸۰۷	۱۵	۲۰	۱۷	۲۸	۶
روستای دو:						
۲۲	۷	۱۸	۴۸	۷	-	۱
۳۰	-	-	۶۷	۹	-	۲
-	۲۹	۷۱	-	-	-	۳
-	۳۰	۴۸	۱۱	۱۶	-	۴
-	-	۱۶	۵۴	۸۷	-	۵
-	۱۴	۱۵	۱۹	۲۲	-	۶
روستای سه:						
۲۲	۷	۱۸	۴۸	-	۱	۱
۳۰	-	-	۶۷	۲	-	۲
-	۲۹	۷۱	-	-	-	۳
-	۳۰	۴۸	۱۱	۱۱	-	۴
-	-	۱۶	۵۴	۱۰	-	۵
-	۱۴	۱۵	۱۹	۲۲	۲۸	۶
روستای چهار:						
۶۰	-	۲۰	۱۸	-	-	۱
۶۰	-	۲۰	۱۹	-	-	۲
-	-	-	-	-	-	-

گروه بندی شغلی شماره روستا	دامدار	کارمند	دامدار و زارع	کشاورز	کارگر	سایر (مشاغل شهری)
۳	-	-	۴۰	۱۰۰	۳۵	-
۴	۳۰	-	۱۰۰	۲۵	-	-
۵	-	-	۲۰	-	۲۵	-
۶	-	-	-	۲۵	-	-
روستای پنج:						
۱	-	-	۳۲	۳	۱۶	۱۷
۲	-	-	۴۱	۳۷	-	۲۱
۳	-	-	۴۴	-	۶۶	-
۴	-	-	۸	۳۳	۵۸	-
۵	-	۳۳	۱۰۰	-	-	-
۶	-	-	۲۴	۲۴	۱۸	-
روستای شش:						
۱	-	۱۴	۱۴	۱۲	-	۲۰
۲	-	۲۲	۲۲	۳۱	-	۴۲
۳	-	-	-	-	-	-
۴	-	-	-	۱۲	-	-
۵	۳۰	-	-	۱۰۰	-	-
۶	-	۲۹	۲۹	۱۶	-	-

توضیح ۱: ۱. نرخ تحرک مطلق برای هر طبقه؛ ۲. نرخ تحرک صعودی برای هر طبقه؛ ۳. نرخ تحرک نزولی برای هر طبقه؛ ۴. نرخ همسان پایگاهی برای طبقه؛ توضیح ۲: تعداد به کل جمعیت نمونه اشاره دارد.

جدول ۴. مقایسه پایگاه شغلی پاسخگویان با قبل از انقلاب در روستاهای برگزیده (تحرک بین نسلی) (درصد)

گروه بندی شغلی شماره روستا	دامدار	کارمند	دامدار و زارع	کشاورز	کارگر	سایر (مشاغل شهری)
روستای یک:						
۱	۱	۸	۴۴	۲۰	۳	۲۳
۲	۱۶	۱۳	۴۶	۸۰.۵	-	۳۲
۳	-	-	۴۰	۴۹	۱۰	-
۴	-	-	۱۲	۲۸	۴۶	۱۲
۵	۴۰	۱۳	۶	-	-	۵۰
۶	-	۳۷	۳۲	۲۳	۷	-
روستای دو:						
۱	۱۶	۱۳	۵۷	-	۲	۱۱
۲	۱۵	۲۱	۲۷	۱۳	-	۲۴
۳	۳۱	۵۱	۱۵	۳۹	۴	-
۴	-	-	۲۵	-	۳۵	-
۵	۶۳	-	۶	۳۸	-	۳۰

			۳۷		۲۴	۶
						روستای سه:
		۳۸	۳۵	۱۶	۴	۱
۲۲	-	۱۷	۳۵	۱۰	۵	۲
۳۰	-	۶۰	۲۰	۲۰	-	۳
-	۳۶	۴۰	۱۰	-	۱۰	۴
-	-	-	۱۲	۲۵	۶۱	۵
-	-	۱۹	۴۳	۲۶	۱۱	۶
						روستای چهار:
		۳۴	۳۶	-	۱۸	۱
۱۹	-	۲۵	۲۹	-	۱۶	۲
۲۹	-	۱۷	۸۳	-	-	۳
۲۰	۴۴	۲۴	۳۰	۸۳	۱۱	۴
-	-	-	۱۷	-	-	۵
-	-	۳۲	۲۴	۴۴	-	۶
						روستای پنج:
	۱۷	۱۷	۴۹	-	-	۱
-	-	۱۵	۶۳	-	۲۱	۲
-	۷۵	۲۵	-	-	-	۳
-	۶۱	۴۳	۳	-	-	۴
-	-	-	۱۰۰	-	-	۵
-	۹	۲۱	۲۶	۴۳	-	۶
						روستای شش:
		۲۷	۴۶	۱۶	۲	۱
۷	-	۲۴	۴۹	۱۷	۲	۲
۷	-	۱۰۰	-	-	-	۳
-	۶۰	۲۴	۱۴	-	-	۴
-	-	-	۱۰۰	-	-	۵
-	-	۲۶	۲۹	۴۳	-	۶

توضیح ۱: ۱. نرخ تحرک مطلق برای هر طبقه؛ ۲. نرخ تحرک صعودی برای هر طبقه؛ ۳. نرخ تحرک نزولی برای هر طبقه؛ ۴. نرخ همسان پایگاهی برای طبقه

توضیح ۲: تعداد به کل جمعیت نمونه اشاره دارد.

مقایسه روستاها در سه گروه زوجی نشان می‌دهد در روستاهای برخوردار، گرایش به گروه‌های شغلی کارمندی و مشاغل شهری بیشتر از روستاهای محروم‌تر است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد تفاوت عمده بین روستاها در هر سه گروه در تمایل به سمت «مشاغل شهری» است، ولی این تمایل به مراتب در روستاهای کمتر برخوردار پایین‌تر است و به ندرت وجود دارد (همان). در کل، این مقایسه نشان می‌دهد روستاهای کمتر برخوردار گرایش بیشتری به گروه‌های شغلی منزلتی پایین‌تر دارند.

بررسی تأثیر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان بر تحرک درون‌نسلی و بین‌نسلی نشان می‌دهد به استثنای متغیر درآمد در روستای ۱ و ۳، هیچ یک از متغیرهای مستقل دیگر با تحرک شغلی آنان رابطه معنی‌داری ندارند. تحلیل داده‌ها ضرایب همبستگی را برای درآمد حدود ۴۰ درصد (همبستگی متوسط) و بقیه متغیرها زیر ۲۵ درصد (همبستگی ضعیف) نشان داد. هرچند تحلیل داده‌ها پیوستگی معنی‌داری را در این خصوص بین روستاها نشان نداد، تأثیر متغیرهای درآمد، دارایی و تحصیلات در روستاهای برخوردار به‌ویژه با بیشترین خدمات و برنامه‌های توسعه‌ای دریافتی نسبت به سایر روستاها نسبتاً زیاد ملاحظه شد (جدول ۵). از تحلیل داده‌ها می‌توان استنباط کرد که پاسخگویان با پیشینه بهتر، شانس بیشتری برای تغییر پایگاهشان دارند.

جدول ۵. ضرایب همبستگی بین ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان با تحرک درون‌نسلی و بین‌نسلی آنان

روستاها	شش	پنج	چهار	سه	دو	یک
الف) درون نسلی درآمد	۰/۱۹۵۲ (۰/۱۳۱)	۰/۲۲۹۶ (۰/۱۱۱)	۳۱۰۶ (۰/۰۰۹)	۰/۴۴۷۰ (۰/۰۰۰)	۰/۳۳۲۰ (۰/۰۰۰)	۰/۴۶۰۵ (۰/۰۰۰)
ثروت	۰/۱۴۴۶ (۰/۲۰۴)	۰/۱۵۷۱ (۰/۰۷۲)	۰/۲۰۹۹ (۰/۱۳۳)	۰/۲۴۷۱ (۰/۰۲۸)	۰/۲۴۴۷ (۰/۰۰۱)	۰/۲۱۳۵ (۰/۰۵۱)
تحصیلات	۰/۰۸۲۳ (۰/۳۱۷)	۰/۰۸۱۳ (۰/۳۳۵)	۰/۰۹۷۶ (۰/۲۲۹)	۰/۱۰۸۷ (۰/۲۰۴)	۰/۱۱۲۵ (۰/۱۴۸)	۰/۱۸۰۵ (۰/۰۳۲)
بعد خانوار	۰/۰۶۵۱ (۰/۳۵۵)	۰/۰۷۳۸ (۰/۳۴۹)	۰/۰۴۵۶ (۰/۳۶۷)	۰/۱۰۸۷ (۰/۲۰۴)	۰/۰۲۶۸ (۰/۳۹۳)	۰/۰۴۴۶ (۰/۳۴۶)
سن	۰/۰۳۷۳ (۰/۴۱۶)	۰/۰۹۲۴ (۰/۱۹۶)	۰/۰۵۹۸ (۰/۳۲۹)	۰/۰۸۰۷ (۰/۲۷۰)	۰۷۹۸ (۰/۲۱۲)	۰/۰۶۰۳ (۰/۲۷۱)
تعداد	۳۰	۳۵	۶۰	۶۰	۸۸	۱۰۸
ب) بین‌نسلی درآمد	۰/۱۶۵۲ (۰/۱۶۸)	۰/۱۹۸۲ (۰/۱۴۷)	۰/۲۹۹۰ (۰/۰۱۱)	۰/۳۹۱۶ (۰/۰۰۱)	۰/۱۶۱۹ (۰/۰۶۶)	۰/۳۷۷۴ (۰/۰۰۰)
ثروت	۰/۱۰۵۰ (۰/۲۹۰)	۰/۱۲۹۶ (۰/۲۲۶)	۰/۱۵۲۵ (۰/۱۲۴)	۰/۲۱۵۲ (۰/۰۴۹)	۰/۱۹۷۲ (۰/۰۶۷)	۰/۲۲۰۰ (۰/۰۱۲)
تحصیلات	۰/۰۷۴۳ (۰/۳۳۳)	۰/۰۸۸۱ (۰/۳۳۵)	۰/۱۱۹۲ (۰/۲۶۹)	۰/۱۴۸۵ (۰/۱۳۹)	۰/۱۳۴۵ (۰/۱۰۶)	۰/۱۰۶۹ (۰/۲۱۰)
بعد خانوار	۰/۰۰۴۰ (۰/۴۹۱)	۰/۰۶۸۰ (۰/۳۶۱)	۰/۰۶۸۴ (۰/۳۰۲)	۰/۰۷۱۱ (۰/۲۹۵)	۰/۱۰۳۲ (۰/۱۶۹)	۰/۰۵۰۹ (۰/۳۰۲)
سن	۰/۰۴۴۱ (۰/۴۰۱)	۰/۰۷۲۹ (۰/۳۵۳)	۰/۰۴۵۶ (۰/۳۶۷)	۰/۲۰۴۳ (۰/۰۶۴)	۰/۱۶۰۵ (۰/۰۶۸)	۰/۰۸۰۸ (۰/۲۰۸)
تعداد	۳۰	۳۵	۶۰	۶۰	۸۸	۱۰۸

توضیح: تعداد به کل جمعیت نمونه اشاره دارد. اعداد داخل پرانتز مربوط به معناداری آماری است.

به‌طور کلی از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت اولاً بیشتر تحرک‌های شغلی مشاهده‌شده در دامنه محدود صورت گرفته است. دوم، زمینه قبلی پاسخگویان (شغل قبل از انقلاب والدینشان و شغل قبلی خودشان) نقش مهمی در روند تحرک اجتماعی‌شان داشته است. هرچند تحرک صعودی بالاتر در روستاهای با اقدامات بیشتر رخ داده است که ظاهراً تأیید تأثیر اقدامات را مطرح می‌کند، بخش عمده‌ای از پاسخگویان نتوانستند پایگاه شغلی‌شان را تغییر دهند؛ زیرا تحرک اجتماعی عمدتاً در گروه شغلی «کشاورز» متمرکز است که نشان می‌دهد برنامه و اقدامات، تأثیر چندانی تعیین‌کننده‌ای بر تحرک شغلی پاسخگویان نداشته است. تفاوت‌های نه‌چندان قابل‌توجه رتبه پایگاه شغلی در روستاهای سه گروه همسان‌شده در اغلب گروه‌بندی‌های شغلی، این دیدگاه را تأیید می‌کند که تحرک اجتماعی بیش از برنامه‌های روستایی، از پتانسیل‌های توسعه‌ای روستایی، به‌ویژه جغرافیایی-طبیعی، روستاها متأثر بوده است. این ادعا از ارقام مطلق و همسان‌گزینی شغلی در جدول‌های ۲ و ۵ مشهود است.

به‌لحاظ نظری شاید بتوان روند فوق را این‌گونه تبیین کرد که تحرک اجتماعی به‌طور کلی و تحرک شغلی به‌طور خاص در طی نسل‌ها رخ می‌دهد و در فضایی کلان‌تر قابل‌رصدتر است. در فضاهای محدود اطلاعات جامعی به‌دست نمی‌آید؛ زیرا ممکن است ایجاد فرصت‌ها و بازبودگی در یک جامعه کلان سبب شود افراد محل سکونت خود را ترک کنند؛ بنابراین بخشی از این افراد در روستاها زندگی نمی‌کنند و به مناطق شهری کوچ کرده‌اند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل، ماهیت برنامه‌های روستایی و پایداری تعهد به توسعه روستاها از سوی دولت بعد از انقلاب است؛ برای مثال، ایجاد اشتغال روستایی عمدتاً متمرکز بر کشاورزی بود. برنامه توزیع زمین و همین‌طور ارائه نهاده‌های زراعی برای زمین‌داران با قیمت‌های دولتی دلیل عمده برای قرارگرفتن در گروه شغلی کشاورز و دامدار به‌شمار می‌آمد؛ درحالی‌که بیشتر برنامه‌های روستایی که عمدتاً توسط نهاد انقلابی جهاد سازندگی اجرا شد، بر ایجاد زیرساخت‌هایی مانند آب‌رسانی، برق‌رسانی، مدرسه‌سازی و جاده‌سازی و... تمرکز داشت که در بهترین حالت، مشاغل موقتی را آن‌هم در سطح کارگری در مرحله ساخت فراهم می‌کرد؛ بنابراین تغییر پایداری در پایگاه شغلی روستایی ایجاد نشد. احتمالاً این برنامه‌ها محرک‌های بعدی را برای تحرک مکانی روستاییان فراهم می‌کرد که روستاها چندانی منتفع نشدند. درواقع بهبود مهارت‌های حرفه‌ای برای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها، اگر هم بود، بیشتر شهروندان را منتفع کرد تا روستاییان. علاوه‌براین، با فرض وجود فرصت‌های محدود شغلی در اقتصاد روستایی، هرگونه تغییرات سریع و عمیق در پایگاه شغلی روستاییان نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی غیر از کشاورزی است که ایجاد تعداد زیادی از فرصت‌ها میسر سازد، ولی به‌ندرت چنین سرمایه‌گذاری‌هایی در روستاهای مورد مطالعه انجام شده بود.

علاوه بر عوامل فوق، دلیل اصلی تحرک نه‌چندان قابل‌توجه مناطق روستایی در کل و روستاهای مورد پژوهش به‌طور خاص، بی‌قدرتی و حاشیه‌راندگی تاریخی آن‌ها است که حتی با وجود فرصت‌های پیش‌آمده و اقدامات توسعه‌ای روستایی یا تحولات کلان در تهمید فرصت‌ها، آن‌ها عملاً نتوانستند از این فرصت‌ها استفاده کنند و فقط نظاره‌گر بهره‌مندی دیگران بودند؛ برای مثال، تحصیلات اندک، مهارت‌های حرفه‌ای کم و موقعیت‌های شغلی ناچیز در روستاها از بهره‌مندی روستاییان از فرصت‌های نوین در مناطق روستایی و شهری جلوگیری می‌کند. احتمالاً برخی قشرهای سنتی مانند خوش‌نشینان نتوانستند از فرصت‌های ایجادشده در مناطق شهری استفاده کنند؛ چرا که چندان تعلق مالکیتی در روستا نداشتند.

همچنین شایان ذکر است طرح‌های ارتقای فیزیکی روستا که با عنوان بهسازی روستاها برای ایجاد یک نظام بهینه ارائه خدمات، افزایش اشتغال روستایی از طریق استقرار صنایع و هموارکردن راه برای سرمایه‌گذاری و توسعه بازار (جهاد سازندگی، ۱۹۹۲: ۲۹) تعریف شده، چندان در فرصت‌های شغلی عمودی پایدار منعکس نشده است. این وضعیت در روستای ۱ به‌وضوح دیده می‌شود. باین‌حال مشاهدات میدانی ما نشان می‌دهد تأثیر این سنخ از اقدامات در بخش تجاری بیشتر بارز است و فقط در خدمت آن‌هایی

است که توان سرمایه‌گذاری حتی خرده‌پایی در این بخش را دارند، ولی بیشتر روستاییان از این توان بی‌بهره هستند. اگر در جاهایی این طرح‌ها موفق هم باشد، احتمالاً بروز تأثیرات رخنه به پایین آن‌ها نیاز به زمان طولانی‌تر و فراهم‌شدن شرایط کلان‌تر دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هرچند ممکن است تحرک اجتماعی حوزه مفهومی گسترده‌تری را شامل شود، این مطالعه بر تحرک شغلی به‌عنوان معرف محوری ابعاد دیگر در مناطق روستایی متمرکز شد و به‌عنوان مطالعه‌ای مقدماتی در روستاهای برگزیده با پیمایش و نمونه‌گیری تصادفی انجام شد. فرض اساسی و ضمنی این بود که تحرک در پایگاه شغلی، معرف بهبود بسیاری از شاخص‌ها و کیفیت‌های دیگر در فرایند توسعه روستایی است که انتظار می‌رود شانس مردم را در دسترسی به فرصت‌های فراخ‌تر و منصفانه‌تر برای داشتن یک زندگی خوب بهبود بخشد. درعین‌حال معرف موفقیت سیاست‌های توسعه‌ای در این فرایند است. به همین سبب، این مقاله ابتدا در پی درک این مطلب بود که آیا تحولات بعد از انقلاب، به‌ویژه به‌لحاظ سیاست‌های روستایی، بر موقعیت شغلی روستاییان مؤثر بوده است یا خیر. دیگر اینکه آیا این اقدامات و تحولات توانست بر پیشینه اجتماعی و اقتصادی غیرمنصفانه روستاییان فائق آید؟ برای این منظور، به این سؤال پاسخ دادیم که آیا تغییر پایگاه شغلی روستاییان از پیشینه اقتصادی-اجتماعی روستاییان و پتانسیل توسعه‌ای روستاها تبعیت می‌کند یا از تغییرات و تحولات اجتماعی به‌ویژه تغییرات با برنامه.

یافته‌ها تا حدی آشکار کرد که تحرک شغلی، بیشتر در روستاهایی رخ داده است که اقدامات توسعه‌ای بیشتری انجام شده و روستاها دارای ویژگی‌های بالقوه توسعه‌ای بوده‌اند که وجود هر دو عامل مؤثر بود. باین‌حال ماهیت تحرک‌ها نشان داد بیشتر تغییرات در تحرک بین‌نسلی هویدا بود تا تحرک درون‌نسلی. همچنین بیشتر تحرکات بین گروه‌های شغلی در سلسله‌مراتب شغلی نزدیک به هم رخ داده است. از این‌رو تحرک‌ها عمدتاً در دامنه محدود و با برد کوتاه صورت گرفت و کمتر تحرکی در انتهای فوقانی نردبان پایگاه شغلی پدید آمده است. هرچند یافته‌ها در حالت کلی ادبیات موجود را در توسعه و تحرک طبقاتی تأیید می‌کند، نظریه انسداد ساختار شغلی و تصلب ساختاری دست‌کم در مناطق مورد مطالعه اثبات می‌شود. تعبیر دیگر این است که هرچند تأثیر تعدد اقدامات روستایی آشکار است، روستاییان به‌طور اساسی پایگاه شغلی‌شان را تغییر نداده‌اند. این موضوع با تفاوت‌های نه‌چندان مهم تغییرات شغلی در غالب گروه‌بندی شغلی در بین گروه‌های سه‌گانه همسان‌شده قابل تأیید است.

تحلیل داده‌ها نشان داد زمینه قبلی پاسخگویان، همبستگی مثبت ولی ضعیفی با تحرکشان داشته است. از بین متغیرها فقط دو متغیر نزدیک به هم یعنی ثروت و درآمد، آن هم در روستاهای برخوردار، رابطه متوسط با تحرک پاسخگویان داشته است. به‌نظر می‌رسد تحرک کم تا حد زیادی به ماهیت برنامه‌های توسعه‌ای و ساختار اقتصادی-اجتماعی روستایی مرتبط باشد که نتوانسته‌اند پایگاه شغلی‌شان را به‌لحاظ کمی و کیفی بسط دهند. با یک فرض هوادارانه از تحولات با برنامه یا بدون برنامه بعد از انقلاب شاید بتوان گفت تردیدی نیست تغییرات گسترده و در برخی برهه‌ها سریع بوده است که عقل سلیم نمی‌تواند تأثیر آن‌ها را در تحرکات شغلی (مثبت یا منفی) رد کند، ولی به‌دلیل شرایط نه‌چندان مناسب جاذبه‌ای روستاها از نظر تغییرات ایجابی توسعه، تأثیرات عملی احتمالاً در خارج از مناطق روستایی رخ داده است؛ بنابراین در عمل روستاها بهره کمی برده‌اند.

این یافته اولاً منطبق با نظریه‌پردازان انقلاب است که تحولاتی مانند انقلاب ناهم‌سکلی اجتماعی و در نتیجه تحرک طبقاتی اولیه سریع را ایجاد می‌کند، ولی ماهیت این تحرک‌ها لزوماً نمی‌تواند دائمی باشند. دست‌کم در روستاها که فرصت‌ها کمیاب‌اند و تغییرات بنیادی ایجاد نمی‌شود، تحرک‌ها چندان صعودی نیستند و اگر هستند روستاییانی را منتفع می‌کند که به شهرها مهاجرت می‌کنند که امکان در جذب در فرصت‌های متعدد در آنجا وجود دارد. دوم، چون غالب اقدامات توسعه روستایی خصلت بهبود داشتند تا

دگرگون‌ساز، یافته‌ها این دیدگاه را تأیید می‌کند که منتفعان اصلی روستاهایی هستند که از پیشینه مستعد توسعه‌ای برخوردارند و تحرک به طبقات همجوار، این دیدگاه را تأیید می‌کند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین دستاورد این تحقیق، مطالعه تحرک اجتماعی به صورت میدانی در سطح خرد، با استفاده از رویکرد تطبیقی واقع پس از رویداد است. غالب این نوع مطالعات در سطح کلان‌تر براساس داده‌های تولیدشده توسط سازمان‌های ذی‌ربط انجام می‌شود تا دورنمای تحولات اجتماعی بهتر درک شود؛ بنابراین محققان به‌ندرت کوشیدند آن را در سطح خرد مانند روستا انجام دهند؛ به‌ویژه در مواردی که داده‌ها دسترس‌پذیر نیستند یا جمع‌آوری داده‌ها در مقیاس کلان‌تر به هزینه‌های هنگفت نیاز دارد. این مطالعه با تمرکز بر تحرک شغلی، امکان‌پذیری پژوهش را با استفاده از فنونی مانند جداول تقاطعی و آماره‌های همبستگی نه‌چندان پیچیده در این سطح نشان داد.

این مطالعه که براساس روستاهای برگزیده و محدود انجام شده است، ادعای تعمیم نتایج را ندارد، ولی براساس یک قاعده و منطق عام ادعا می‌کند که نتایج این تحقیق می‌تواند برای روستاهایی صادق باشد که شرایط مشابه روستاهای مورد مطالعه را دارند. به عبارت دیگر، انتخاب جامعه آماری مناسب می‌تواند تا حد زیادی ضرورت انجام مطالعات گسترده را که به زمان و هزینه زیاد نیاز دارد، برطرف کند. همچنین مطابق نتایج، مطالعه موضوعاتی مانند تحرک اجتماعی-شغلی به‌مراتب پیچیده‌تر است. برخی از خلأها که طی این مطالعه روشن شد، عبارت‌اند از:

نخست، در جوامعی (مانند روستا) که کمیت فرصت‌ها محدود است و تنوع‌پذیری مشاغل وجود ندارد، امکان بهره‌مندی از طبقه‌بندی‌های شغلی عام و متداول وجود ندارد. این به‌نوبه خود شکاف بین این سنخ از اجتماعات را با جامعه کلان‌تر آشکار می‌کند و به عبارتی در کنه خود معضل شناختی، اعتبار سازه و تعمیم‌پذیری را به همراه دارد.

دوم، از آنجا که به‌دلیل فوق، مطالعه تحرک شغلی در سطح روستا نمی‌تواند از طبقه‌بندی استاندارد منطبق با جامعه بزرگ‌تر تبعیت کند، به‌ناچار باید تعدد مشاغل و گروه‌بندی و رتبه‌بندی منزلتی آن‌ها را از طریق مطالعه اکتشافی در قالب مطالعه مقدماتی به‌دست آورد که احتمالاً مسئله تطبیق‌پذیری با گروه‌بندی عام را مطرح کند.

سوم، از آنجا که روستاها در کشور اغلب با پدیده مهاجرت مواجه هستند، تأثیر تحولات با برنامه یا کلان‌توسعه‌ای ممکن است در تنوع و دسترس‌پذیری مشاغل مؤثر باشد و روستاییان هم منتفع باشند، ولی منتفعان فرصت‌های جدید برای زندگی بهتر و بامنزلت به شهرها کوچ کردند و دیگر در روستا زندگی نمی‌کنند؛ بنابراین مطالعاتی مشابه پژوهش حاضر نمی‌تواند آن‌ها را برملا سازد. بدین ترتیب ممکن است رصد تحولات اجتماعی روستایی از مبنایی کافی و کامل برخوردار نباشد و نتیجه‌گیری‌ها یا برآورد روندهای آتی دقت لازم را نداشته باشد.

چهارم، وجود داده‌های سری زمانی طولانی‌مدت که متغیرهای مختلف اقتصادی-اجتماعی را دربرگیرد، شرط موفقیت چنین مطالعاتی است. در نبود آن‌ها دآوری در مورد تأثیر تحولات یا پیش‌بینی روندها از قدرت تحلیلی کافی برخوردار نخواهد بود.

مآخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران*، تهران: اطلاعات.
- نافلر، آلوی (۱۴۰۰). *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر فرهنگ نو.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶). *جامعه روستایی و نیازهای آن*، تهران: سهامی انتشار.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گامبرگ، پال (۱۳۹۱). *شیوه‌های برابری فرصت‌ها: نژاد و عدالت مشارکتی*، ترجمه علی شکوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۴). *جهاد در آئینه آمار سال*، تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- Afshar, H. (1981). An assessment of agricultural development policies in Iran. *World development*, 9(11-12): 1097-1108. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(81\)90022-X](https://doi.org/10.1016/0305-750X(81)90022-X).
- Amirahmadi, H. (1990). *Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience*, Albany: State University of New York Press.
- Amozegar, J. (1993). *Iran's Economy under the Islamic Republic*. London: I. B. Tauris & Co Ltd Publishers.
- Ashraf, A. (1991). State and Agrarian Relations Before and After the Iranian Revolution: 1960-1990, in F. Kazemi and J. Waterbury, *Peasant and Politics in the Modern Middle East*, Florida: International University Press/Miami.
- Ashraf, A., & Banuazizi, A. (1985). The state, classes and modes of mobilization in the Iranian revolution. *State, Culture, and Society*, 1(3), 3-40. <http://dx.doi.org/10.2307/20006815>.
- Azkiya, M. (1986). *Sociology of Development and Underdevelopment of Rural Iran*, Tehran: Ettelat publications. (In Persian)
- Breen, R., & Rottman, D. B. (1995). *Class Stratification: A Comparative Perspective*, London: Harvester & Wheatsheaf.
- Clements, P. (1993). An approach to poverty alleviation for large international development agencies. *World Development*, 21(10): 1633-1646. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(93\)90098-T](https://doi.org/10.1016/0305-750X(93)90098-T).
- Coxon A. P. M., & Jones, C. L. (1975). *Social Mobility*. Harmondsworth: Penguin.
- Devine, F. (1998). Class analysis and the stability of class relations. *Sociology*, 32(1): 23-42. <https://doi.org/10.1177/0038038598032001003>
- Farazmand, A. (1989). *The State, bureaucracy, and revolution in modern Iran: Agrarian Reform and Regime Politics*. New York: Praeger.
- Ferguson, J. (1990). *The anti-politics machine: development and bureaucratic power in Lespho*. Cambridge University Press.
- Giddens, A. (1993). *Sociology*. Oxford: Basil Blackwell.
- Glass, D. V., & Hall, T. R. (1954). 'Social Mobility in Great Britain: A Study of Inter-generational Changes in Status' in A. P. M. Coxon and C. L. Jones, *Social Mobility*, Harmondsworth: Penguin.
- Gomberg, P. (1991). *How to make opportunity Equal: Race and Contributive Justice*, Translated by A. Shakoori, Tehran: University of Tehran. (In Persian)

- Hamilton, M. B., & Hirszowicz, M. (1993). *Class and Inequality: Comparative Perspectives*, London: Harvester & Wheatsheaf.
- Heath, A. (1981). *Social Mobility*. London: Fontana.
- Kelsall, R. K., & Kelsall, H. M. (1972) *Stratification: An Essay on Class and Inequality*. London: Longman.
- Lele, U. (1975). *The Design of Rural Development, Baltimore*. MD: Johns Hopkins University Press for the World Bank.
- Long, N. (1977). *Introduction to the sociology of rural development*. London: Tavistock.
- Miller, S. M. (1975a). 'The Concept and Measurement of Mobility', in A. P. M. Coxon and C. L. Jones, *Social Mobility*, Harmondsworth: Penguin.
- Miller, S. M. (1975b). 'Comparative Social Mobility', in A. P. M. Coxon and C. L. Jones, *Social Mobility*, Harmondsworth: Penguin.
- Ministry of Jihad-e Sazandehi (1995) *Jihad in Mirror of Annual Statistics*. Tehran: Ministry of Jihad-e Sazandehi.
- Ministry of Jihad-e Sazandehi (1992). *Rural Construction*. Tehran: Undersecretary of Rural Construction, Planning and Programming Bureau.
- Olson, M. (1963). Rapid growth as a destabilizing force. *The Journal of Economic History*, 23(4): 529-552. <https://doi.org/10.1017/S0022050700109210>
- Pullum, T. W. (1970). 'What Can Mathematical Models Tell Us about Occupational Mobility', in A. P. M. Coxon and C. L. Jones, *Social Mobility*, Harmondsworth: Penguin.
- Pye, L. W. (1966). *Aspects of Political Development*. Boston, MA: Little, Brown.
- Rafiepour, F. (2007). *Rural Society and its needs in Iran*. Tehran: Sahami-e Enteshar Publications. (In Persian)
- Salehi-Isfahani, D. (2009). Poverty, inequality, and populist politics in Iran. *The Journal of Economic Inequality*, 7, 5-28. Available at: <https://link.springer.com/article/10.1007/s10888-007-9071-y>
- Saunders, P. (1997). Social mobility in Britain: an empirical evaluation of two competing explanations. *Sociology*, 31(2): 261-288. <https://doi.org/10.1177/0038038597031002005>.
- Schirazi, A. (1993). *Islamic Policy, The Agrarian Question in Iran*. Translated by: P. J. Ziess-Lawrence. London: Lynne Rienner Publisher.
- Sen, A. (1977). Starvation and exchange entitlements: a general approach and its application to the Great Bengal Famine. *Cambridge Journal of Economics*, 1(1), 33-59.
- Sen, A. (1983). Development: Which way now?. *The economic journal*, 93(372): 745-762. <https://doi.org/10.2307/2232744>.
- Shakoori, A. (2001). *The State and Rural Development in the Post-revolutionary Iran*. London: Palgrave.
- Shakoori, A. (2019). Rural Development in Iran: A Survey of Policies and Outcomes. *Journal of Developing Societies*, 35(3): 346-366. <https://doi.org/10.1177/0169796X19868316>.
- Taleb, M. (1997). *Rural Management in Iran*. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
- Toffler, I. (1996). *The Third Wave*. Translated by: S. Kharazmi. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)